

برای «فصل بی‌هراسی»

رمانی برای روایت گروه صف و

سازمان پیکار

در میان فضای مه‌آلود سال‌های منتهی به انقلاب اسلامی، گروه‌های مبارزی سر برآورده بودند که هر کدام ادعای سردمداری مبارزه با رژیم پهلوی داشته‌اند. گروه‌هایی از اسلامیان افراطی تا کمونیست که طیف گسترده‌ای را در این میان شامل می‌شد، آن قدر زیاد بودند و ادعاهای شان را با قرآن و روایات تزئین کرده بودند که معلوم نبود کدام یک دلسوز واقعی مردم و کدام یک فقط به خاطر تخلیه شور و هیجان جوانی‌شان دست به اسلحه برده و می‌کشتند و کشته می‌شدند.

رمان «فصل بی‌هراسی» به قلم محمدحسین فاضل رمانی است با موضوع انقلاب و پیرامون حوادث تلخ و شیرین ماه آخر ۱۳۵۶. فصل بی‌هراسی درباره جوانی به نام علی است که از کارهای انقلابی فراری است و به شدت از این فضا می‌ترسد، ولی ناخواسته بنا بر وصیت یکی از دوستانش پایش وسط گروه‌های مختلف مبارز باز می‌شود. رمانی پر ماجرا و پر از زدوخورد و تعقیب و گریز نفسگیر درباره یکی از حساس‌ترین زمان‌های تاریخ ایران. رمان، مخاطب را همراه شخصیت‌های داستان به نفس‌نفس زدن می‌اندازد و در لابه‌لای این زدوخوردها به دنبال حقیقت است و به پشت‌پرده این گروه‌ها سرک



می‌کشد و آنها را از نزدیکی می‌بیند.

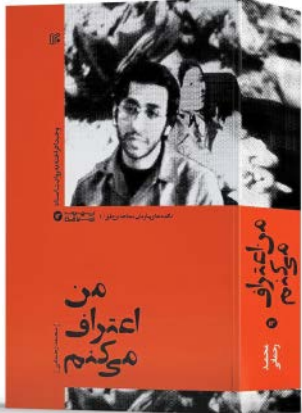
گروه «صف» به فرماندهی شهید محمد بروجردی در یک طرف و سازمان پیکار که باقی‌مانده سازمان مجاهدین خلق بعد از تئوری رکود و کودتا علیه تقی شهرام تشکیل شده بود، دو طرف این درگیری هستند و سازمان مخوف ساواک که همیشه و در همه حال در صحنه‌های درگیری حضور دارد و حریفی قدرتمند است که عیار مبارزان را نشان می‌دهد.

نویسنده سعی کرده با پژوهش عمیق به زمان و مکان و جوش و خروش آن زمان آشنایی پیدا کند و به مخاطب تصویری واقعی از آن موقعیت بدهد. هدف نویسنده نشان دادن راه و بیراه در فضای مه‌آلود آن سال‌ها به مخاطب است و بدون این که از داستان‌گویی عدول کند، در خلال داستان، وقایع و حوادث و خرده‌ماجراها را با شخصیت‌هایی که هر کدام از آنها دلیل محکمی برای دوست داشته شدن دارند، نشان می‌دهد.

شخصیت‌هایی که هر یک با درد و رنج‌هایی عمیق، اما با انتخاب خود در راهی پرخطر قدم می‌گذارند و انتهای آن چیزی جز شهادت یا وادادن نیست و انتخاب آخر بازی فقط در اول آن تعیین می‌شود. با این‌که نشانه‌هایی برای برگشت و توبه به راه درست هست اما برخی نمی‌بینند و بر راه نادرست خود اصرار دارند و برعکس، لذت‌هایی برای راه‌های منحرف هست که می‌توان به راحتی دست دراز کرد و آن را به چنگ آورد که باز اصرار بر راه درست سرنوشت بازی را تعیین می‌کند. فصل بی‌هراسی اولین رمان محمدحسین فاضل، کارشناس ارشد ادبیات نمایشی است. □

کتاب «(من اعتراف می‌کنم)» به تازگی توسط انتشارات ایران وارد بازار نشر شده است

# کتابی که منتشر نشده تمام شد!



سازمان و شرح مسائل درونی آن وقایع ثانویه‌ای همچون صدور فتوای نجاست مارکسیست‌ها در زندان و جشن سیاس به وقوع پیوست که در جای خود مفصلاً محل بحث است. باز نشر اعترافات افراخته و دیگران الزاماً به معنی تأیید با رد اظهارات آنان نیست. با این اوصاف نمی‌توان به بهانه اخلاق‌گرایی اصل اسناد را مخدوش و ناقص ارائه کرد و همچنان گنجه‌ارزشمند اسناد انقلاب را از دسترس محققان و علاقه‌مندان پنهان نگه داشت. حذف اعترافات افراخته در این کتاب جز در موارد خاص صورت نگرفته که چرایی آن را از مخاطبان خود پنهان نخواهیم کرد. بخش بسیار مختصری از اعترافات افراخته در قالب داستان‌های جنسی سران مجاهدین که دارای جزئیات شنیعی بود، به کلی حذف شد. بخش عمده‌ای از تک‌نویسی‌ها توضیحات در رابطه با مسائل فنی ساخت بمب و دستگاه شنود که کمکی به تحلیل‌های جامعه‌شناختی و تاریخی نمی‌کرد، به دلیل اهمیت کمتر در این کتاب منعکس نشده است. همچنین در شرح عملیات به علت توضیحات دقیق محسن خاموشی، بیشتر به اعترافات وی تکیه شده که با نظم بهتری به تبیین اجرای عملیات پرداخته است. انگیزه نگارش این کتاب نه تخریب شخصیت افراخته و نه قدیس‌سازی از او یا دیگران است؛ بلکه کوشش شده روایتی همه‌جانبه و منصفانه از آنچه به وقوع پیوسته، تقدیم شود. هر چند هرگز مدعی آن نبوده و نیستیم که بر تمام حقیقت احاطه یافته و هیچ خطای سهوی در این اثر رخ نداده است. کتاب در پنج فصل شرایط جامعه و گروهک منافقین را برای مخاطبان خود روایت خواهد کرد.

مؤلف این کتاب در مقدمه می‌نویسد: درباره چرایی تغییرات افراخته می‌توان نظریات مختلفی بیان کرد اما به نظر نگارنده سایه اعدام و البته شکنجه مجدد سبب شده افراخته در بسیاری از موارد برای خوشایند ساواک دست به اغراق زده باشد. اما این قضاوت‌ها نمی‌تواند تمام اعترافات وی را فاقد ارزش کند. خاصه آن‌که بسیاری همچون خانواده افراخته معتقدند وی به شناخت جدیدی رسیده بود و به آنچه می‌نوشت و می‌گفت، ایمان داشت. چاپ اعترافات درون زندان در موارد دیگری همچون فردوست، نورالدین کیانوری، احسان طبری و حسین احمدی روحانی فارغ از انگیزه‌های نویسندگانش به موجب شخصیت حائز اهمیت راوی و تسلط آنان بر وقایع تاریخی تبدیل به منابعی منحصر به فرد و جنجالی در حوزه تاریخ معاصر ایران شده‌اند.

عمده روایت‌های موجود از بی‌نظیر بودن همکاری افراخته با ساواک حکایت دارد، اما نباید از یاد برد که در پرونده بسیاری دیگر از چریک‌ها و حتی فعالان سیاسی دربند، اسنادی از اعتراف، مصاحبه، همکاری با نهادهای امنیتی و درخواست عفو ملوکانه به ثبت رسیده که کمتر کسی آن را یادآوری می‌کند. در این میان آنچه اعترافات افراخته را حائز اهمیت می‌کند، جایگاه مهم سازمانی و تسلط وی بر وقایع درون سازمانی به عنوان یکی از اعضای مرکزیت سازمان مجاهدین خلق است. بی‌شک با دقت در اعترافات وی بسیاری از مسائل پیش و بعد از افراخته قابل فهم‌تر می‌شود. با وجود این، به اعتقاد نگارنده همان‌طور که پیشتر نیز اشاره شد، بخشی از اعترافات افراخته به خصوص در تأکید بیش از حد بر فساد جنسی در گروهک منافقین بیشتر برای خوشامد ساواک و به جهت حساس کردن مذهبی‌ها طراحی و مطرح شده است. بررسی ریشه‌های ترور و خشونت در این گروهک فراتر از پرداخت به تمایلات جنسی است. در اهمیت اعترافات و همکاری افراخته همین بس که با افشای تغییر ایدئولوژی



برگ سبز خودرو وانت دو کابین فوتون مدل ۱۴۰۱ به رنگ سفید شماره انتظامی ایران ۱۳ - ۱۴۳ ب ۴۲ شماره موتور ISF2.855174P77090390 شماره شاسی NAB375830NA001284 به مالکیت مصطفی امین‌الرعایا کار لادانی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز خودرو بنز ۲۰۰ رنگ آلبالویی معمولی مدل ۱۹۸۷ به شماره پلاک ایران ۶۸ ۶۳۲ س ۲۲ و شماره موتور 0048290 و شماره شاسی WDB1240201A566092 به نام فرزند علی لطفی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز (سند مالکیت) خودرو سواری تپیا مدل ۱۳۹۶ به رنگ سفید روغنی شماره انتظامی ایران ۱۹-۴۱۹ س ۷۶ شماره موتور m15/8527325 شماره شاسی nas811100h5774050 به نام فرحناز پورحسینی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز خودرو دنا مدل ۱۴۰۱ رنگ مشکی متالیک پلاک ۹۷ ب ۳۶۴ ایران ۹۱ شماره موتور 153H0100766 شماره شاسی NAAW61HUXNE715877 به نام مهدی غلامین یوریک مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند کمپانی خودرو سواری سایپا ساینا مدل ۱۳۹۸ به رنگ سفید روغنی شماره انتظامی ایران ۶۷ - ۲۲۳ ط ۶۷ شماره موتور M15/8767960 شماره شاسی NAS831100K5827362 به نام اسداله حیدری مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سند کمپانی برگ سبز خودرو پراید ۱۳۱ مدل ۱۳۹۰ به رنگ سفید روغنی شماره انتظامی ایران ۸۱ ۲۷۵ ج ۱۷ شماره موتور 4290025 شماره شاسی S3412290997666 به نام مراد مرادی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.